



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۶/۰۲

ملک ستیز

## نگاه فقط استخباراتی به افغانستان

حوادث اخیر نشان داد که جهان فقط نگاه استخباراتی به افغانستان دارد. در این نگاه نقش دیپلوماسی که سازمان هماهنگی روابط بین الملل میان دولت ها می باشد در رابطه با افغانستان کاملاً تهی شده است. این رویکرد نقش سیاست و قدرت را در جامعه و اروانه ساخته است. این جا قدرت و سیاست از موقف اصلی خود که ارائه خدمات به شهروندان است به ابزاری برای تأمینات استخباراتی مبدل می شود. در پرونده افغانستان سه اصل عمده برای این ادعا وجود دارد:

نخست

بازیگران اصلی بین المللی از دهلیز استخبارات به افغانستان داخل ماجرا می شوند. گذار جمهوریت تقلبی به امارت مذهبی کاملاً از طریق دستگاه های استخباراتی مدیریت و رهبری شد. نقش استخبارات به حدی برانده بود که سیاست و دیپلوماسی را در حد صفر نزول بخشید و به یکباره چهره های نوین مانند سمارق در ارگ و سپیدار که مراکز قدرت سیاسی نامیده می شدند سبز شدند.

دوم

بازیگران داخلی همه از حلقوم استخبارات جهان و منطقه برون آمدند. قطر، پاکستان، امریکا، روسیه، انگلیس، سعودی، ایران، چین و هند از طریق مزدوران استخباراتی خود به میدان قدرت در افغانستان داخل شدند. هیچ پیام و تصمیمی بدون اراده استخبارات پاسخ نداد. رهبران استخبارات به کابل سفر کردند و حاکمانه بر وضعیت داخلی تصمیم اتخاذ کردند.

سوم

دین در افغانستان به ابزار خدمات استخباراتی تبدیل گشت. پیشینه طالبان و رهبران آن ها، احزاب و تنظیم های دینی- مذهبی همه در تباری با استخبارات منطقه و جهان سازمان بهتر و بیش تر یافتند. رهبران این گروه ها توسط استخبارات منطقه تعیین شدند و آنانی که سرپیچی کردند سرهای شان زیر بال های شان شد.

واقعیت تلخ اینست که افغانستان در چهل سال پسین، به ویژه از سال ۲۰۰۱ تا کنون به کانون شبکه های استخباراتی جهان تبدیل شده است. شبکه های استخباراتی جهان بزرگترین مراکز خود را در افغانستان فعال ساختند و از میان سیاسیون معامله گر مزدورگیری کردند. این ازدحام شبکه های استخباراتی قدرت، سیاست و اقتدار را به بازیچه قدرت های بزرگ تبدیل کرد. اکثریت مطلق به اصطلاح رهبران و مدیران سیاسی، اقتصادی و راهبردی مزدوران شبکه های استخباراتی منطقه و جهان بوده اند.

این فرهنگ سبب شد تا همه برای دیگران کار و برای خود زراندوزی کنند. در نتیجه حساب های بانکی مزدوران استخباراتی ملیونی تر و دسترخوان های مردم فقیرتر شد. این فرهنگ هزاران انسان شریف افغانستان را به دام غلامی برای بیگانگان محصور کرد. در این مدت غلامی و مزدوری به استخبارات منطقه و جهان به فرهنگ رایج مدیریتی

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

تبدیل گردید. در نتیجه هرکه بهتر و بیش‌تر در خدمت منافع دیگران قرار گرفت به همان پیمان‌ه منابع و امتیازات وافر تر حاصل کرد.

تلخ‌تر این‌که برخی‌ها ناخواسته و ندانسته در خدمت استخبارات منطقه و جهانی قرار گرفتند. آنان به نام مجریان پروژه های خورد و بزرگ به گونه فرسایشی در چنبره استخبارات گیر ماندند. در این‌میان نهاد های استخباراتی مزدوران خود را برای دفاع از منافع خود در افغانستان به جنگ و منازعه می‌کشاندند که قربانیان بی‌شماری را در پی داشت. افغانستان شاید بیش‌ترین قربانی جنگ استخبارات را در جهان داشته باشد. در این زمینه تحقیقی به راه نیافتاده است. چون نهاد های استخباراتی در ممانعت چنین تحلیل و پژوهش نگاه و هدف مشترک دارند.

فقر، تهی‌دستی، جنگ، بحران اجتماعی و سیاسی در افغانستان سربازان بی‌شماری برای فداکاری و خدمات گسترده تر به نهاد های استخباراتی پیش‌کش کرده است. هر قدری‌که دامنه این بحران‌ها گسترده می‌شود به همان پیمان‌ه ازدحام این سربازان سربه‌کف استخباراتی فراگیرتر می‌شود. این سربازان سربه‌کف که همه جوانان فقیر هستند خانه‌ی خود و هم‌میهنان خود را که افغانستان نام دارد نابود می‌کنند. این گروه عظیم به نام دین، بهشت، حورهای زیباتن، ایدیالوژی‌های سرخ و سبز، رهبران دروغین و میهن‌ترسیم‌شده بر ذهن سرگردان شان حاضر به کشتار، انتحار و استکبار می‌شوند. این‌ست تراژیدی اصلی افغانستان!